

# تأثیر یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی نخستین در جرائم مستوجب قصاص (با بررسی موردی آراء دادگاه‌ها)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۷/۲۹

تاریخ تأیید: ۹۳/۰۹/۱۰

شهرام محمدی<sup>۱</sup>

استادیار گروه حقوق دانشگاه کردستان

فرهاد شاهیده<sup>۲</sup>

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

افشین عبدللهی<sup>۳</sup>

دانش‌آموخته دوره دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

## چکیده

جرائم علیه تمامیت جسمانی که شامل قتل و ضرب و جرح می‌باشد، از زمره جرائم خشونت‌آمیز است. در جرائم عمدی علیه تمامیت جسمانی، قصاص به عنوان ضمانت اجرای برابر با عمل مرتکب است و در صورتی که امکان قصاص وجود نداشته باشد و یا در جرائم غیرعمدی علیه تمامیت جسمانی، دیه پیش‌بینی شده است. در این میان، بزه‌دیده ممکن است نقش مؤثری در ارتکاب جرائم مستوجب قصاص داشته باشد. از این رو می‌توان میان بزه‌دیده‌شناسی نخستین و جرائم مستوجب قصاص پیوندی حقوقی - جرم‌شناسی ایجاد کرد، زیرا بزه‌دیدگان ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه نقش مسبب را بازی کنند. آموزه‌های بزه‌دیده‌شناسی نخستین را می‌توان در جنسیت به عنوان عامل زیست‌شناختی بزه‌دیده، رابطه بزه‌دیده و بزه‌کار در قالب رابطه پدر و فرزند، وضعیت روانی بزه‌دیده، رضایت او در ارتکاب جرم و تأثیر سایر عوامل بالقوه در وقوع بزه‌دیدگی در جرائم مستوجب قصاص و نقش بزه‌دیده در پیشگیری از ارتکاب جرم قتل مشاهده نمود. از این رو سعی می‌گردد در این مقاله جلوه‌های بزه‌دیده‌شناسی نخستین در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مورد مطالعه قرار می‌گیرند. همچنین، آراء دادگاه‌ها نیز مورد تحلیل قرار می‌گیرند تا مشخص شود قضات دادگاه‌های کیفری ایران تا چه اندازه به مباحث مطرح در بزه‌دیده‌شناسی نخستین توجه می‌نمایند.

واژگان کلیدی: بزه‌دیده‌شناسی نخستین، جرائم علیه تمامیت جسمانی، قصاص، بزه‌دیده، آراء دادگاه‌ها

## مقدمه

بزه‌دیده‌شناسی با شناخت علمی مجنی علیه شاخه جدیدی از جرم‌شناسی است که به بررسی قربانی مستقیم جرم می‌پردازد. از این رو، شناخت بزه‌دیده و آنچه وابسته به اوست مورد توجه این

1. Email: mohammady\_lawyer@yahoo.com

2. Email: Farhad\_shahideh@yahoo.com

3. Email: afshin.abdollahi@yahoo.com

«نویسنده مسئول»

دانش نوین است (کرمی، ۱۳۷۵: ۸۶). از جمله مهم‌ترین دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی نخستین که با موضوعات مرتبط با جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص قابل تطبیق است، عبارت است از: مطالعه تعامل بزه‌دیده و بزهکار در فرآیند ارتکاب جرم، نقش خصوصیات زیستی و روانی بزه‌دیده در بزه‌دیده واقع شدن او؛ تأثیر رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده و تسهیل ارتکاب جرم در فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه؛ نقش و سهم بزه‌دیده در پیشگیری از جرم و در نهایت تعیین مسئولیت کیفری بزهکار با توجه به میزان تقصیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم.

هنتیگ<sup>۱</sup> معتقد بود که بسیاری از قربانیان جنایت از طریق تحریک و برانگیختن جانی و یا با ایجاد پرورش موقعیتی که احتمالاً منجر به ارتکاب جرم از سوی جانی می‌شود، به قربانی شدن خود کمک می‌کنند (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۰: ۴۱). همچنین، ماروین ولفگانگ در مطالعات بزه‌دیده‌شناسی خود، در جستجوی الگوهایی بود که در جرم قتل وجود دارند. او برای یافتن چنین الگوهایی، به مطالعه موردی جرم قتل در فیلادلفیا و پنسیلوانیا در سال‌های (۱۹۴۸-۱۹۵۲) پرداخت. وی این موضوع را که جرم قتل در چه زمانی و در کجا بیشتر اتفاق می‌افتد و ارتباط بین بزه‌دیده و بزهکار را مد نظر قرار داده بود. او معتقد بود، در هر قتل، حداقل دو بازیگر وجود دارد (بزه‌دیده و بزهکار)، از این رو شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های آنان مهم است. بدین ترتیب، ولفگانگ از ۵۸۸ مورد جرم قتل که مورد بررسی قرار داد، پی برد که در ۱۵۰ مورد (۲۶ درصد)، بزه‌دیده عامل اصلی وقوع جرم بوده است، یعنی در ابتدا این بزه‌دیده بوده است که ضربات اول را وارد آورده، اسلحه را نشان داده یا از آن استفاده کرده و با توسل به خشونت فیزیکی، در ارتکاب قتل تأثیرگذار بوده است (Wolfgang, 1985: 252). در همین راستا، باید گفت که نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرائم علیه تمامیت جسمانی می‌تواند یک نقش انگیزی (برانگیختگی و تهییج) و یا یک نقش کاربردی (تحریک، تسبیب و مشارکت) باشد (عبدالفتاح، ۱۳۷۸: ۱۱۵).

در قوانین کیفری ایران می‌توان موضوعاتی مانند جنسیت و وضعیت روانی بزه‌دیدگان، رضایت بزه‌دیده در قتل ترحم‌آمیز و مباحث دیگری که بررسی خواهد شد را از منظر بزه‌دیده‌شناسی نخستین مطالعه کرد. به همین دلیل تحلیل داده‌های بزه‌دیده‌شناسی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و رویه قضایی دادگاه‌ها ضرورت انجام این نگارش را نشان می‌دهد تا مشخص شود تا چه حد به این موضوعات توجه شده و برخورد دادگاه‌ها با آن چگونه است؟<sup>۲</sup>

1. Hentig

۲. از آنجا که در این پژوهش پرونده‌های قضایی دادگاه‌های حوزه قضایی مشهد در دسترس بوده است، آرای دادگاه‌های این حوزه تحلیل شده‌اند.

## ۱- نقش جنسیت در بزه‌دیدگی

جنسیت افراد به عنوان یکی از عوامل مهم آسیب‌پذیری بیشتر افراد است که زنان را در جامعه آسیب‌پذیرتر از مردان می‌کند. آسیب‌پذیری جنسیتی که شامل میزان آسیب‌پذیری زیستی و اجتماعی زنان، نسبت به مردان است، زمینه مناسبی برای بزه‌دیدگی آنان است. زنان به دلیل عوامل خاص زیست‌شناختی و اجتماعی، آمادگی و استعداد خاصی برای بزه‌دیده شدن دارند و بر اساس مطالعات جرم‌شناختی، بیشتر بزه‌کاران بالقوه با معیارهای عقلانی، قربانیان خود را از میان افراد آسیب‌پذیر انتخاب می‌کنند. از این رو، زنان آماج‌های مناسبی برای آنان محسوب می‌شوند. همچنین زنان به دلیل ساختار روحی و عاطفی خود، ممکن است با ارتباط و آشنایی با بزه‌کاران بالقوه موجب ارتکاب جرائمی شوند که خود بزه‌دیده مستقیم آن گردند.

قانونگذار در مواد ۳۸۲ و ۳۸۸ قانون مجازات اسلامی به جنایت علیه نفس و مآذون نفس اشاره نموده است.<sup>۱</sup>

در پرونده ذیل، از وضعیت زنی حکایت می‌کند که به دلیل آسیب‌پذیری روحی و عاطفی و در پی آن داشتن رابطه با مجرم پرونده، هدف مناسب و آسیب‌پذیری برای وی بوده است؛ به نحوی که پس از آنکه بارها مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته بود، به قتل رسید.

در پرونده شماره ۵۰... ۷۶ که در سال ۱۳۷۶ در تهران تشکیل شد، پدر و مادر خانم «ش» صبح به محل کار می‌روند که پس از بازگشت از آنجا با جسد دخترشان روبرو می‌شوند. پس از اینکه مشخص می‌شود آقای «ن» با وی ارتباط داشته، به دلیل قتل خانم «ش» دستگیر می‌شود. وی پس از دستگیری، در اظهارات خود بیان داشت که چند ماه است با خانم «ش»

۱. قانون مجازات اسلامی در جنایت علیه نفس برای قتل زن مسلمان توسط مرد مسلمان و زن کافر توسط مرد کافر، قصاص پیش‌بینی کرده است، اما این کیفر قابل اجرا نخواهد بود، مگر اینکه اولیاء دم زن نصف دیه مرد را به قاتل بپردازند. همچنین در خصوص جنایات مآذون نفس مقرر می‌دارد: «زن و مرد مسلمان، در قصاص عضو برابرنند و مرد به سبب آسیبی که به زن وارد می‌کند، به قصاص محکوم می‌شود. لکن اگر دیه جنایت وارد بر زن، مساوی یا بیش از ثلث دیه کامل باشد، قصاص پس از پرداخت نصف دیه عضو مورد قصاص به مرد، اجرا می‌شود. حکم مذکور در صورتی که مجنی‌علیه زن غیرمسلمان و مرتکب مرد غیرمسلمان باشد نیز جاری است. ولی اگر مجنی‌علیه زن مسلمان و مرتکب، مرد غیرمسلمان باشد، مرتکب بدون پرداخت نصف دیه، قصاص می‌شود».

آشنا شدم و قرار بود ازدواج کنیم. از حدود هفت ماه پیش با هم رابطه جنسی داشتیم و در آپارتمان آن‌ها این کار را می‌کردیم، گاهی هم اگر شرایط مهیا بود در منزل خودمان این کار را انجام می‌دادیم. آخرین بار که جهت انجام این کار به منزل آن‌ها رفتم، پدر و مادرش سر کار بودند و پس از نزدیکی با وی، او در مورد ازدواج با من صحبت کرد که از این وضع خسته شدم و گفتم اگر تو بیماری راحتی می‌شوم. پس از آن ضمن اظهارات ضد و نقیض متهم مشخص شد که آن‌ها در آن روز با یکدیگر درگیر شده و آثار آن نیز در بدن خانم «ش» نمایان بود. دادگاه نیز پس از ملاحظه کلیه اوراق پرونده اتهام انتسابی را در هر دو مورد محرز دانست و در ارتباط با جرم زنا و با استناد به مواد ۸۸ و ۱۲۰ قانون مجازات اسلامی متهم را به تحمل صد ضربه تازیانه و در رابطه با قتل، با استناد به بند ب ماده ۲۰۶ و ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی، وی را به قصاص نفس - در صورتی که اولیاء مقتوله قبل از قصاص متهم نصف دیه مرد مسلمان را به او پرداخت کنند - محکوم نمود (رشادتی، ۱۳۸۸: ۳۲۰-۳۲۲).

یکی از حوزه‌های مطالعاتی بزه‌دیده‌شناسی نخستین روابط مجرم و بزه‌دیده است که ممکن است متأثر از عوامل زیست‌شناختی مانند جنسیت بزه‌دیده باشد. در همین راستا، بر اساس نظرسنجی از قضات با تجربه دادگاه کیفری، وجود رابطه خویشاوندی در اکثر پرونده‌های کیفری قتل عمد که بزه‌دیده آن‌ها یک زن بوده، وجود داشته و اکثر زنان در طی یک خشونت خانوادگی و به ویژه توسط شوهران یا خویشاوندان خود به قتل رسیده‌اند (مرتضوی، ۱۳۷۶: ۱۷). در پرونده مذکور از یک طرف، خانم «ش» به تصور ازدواج با آقای «ن» با وی ارتباط پیدا کرده است و حتی آن قدر به او اعتماد می‌کند که با یکدیگر خلوت کرده و مرتکب زنا نیز می‌شدند و از طرف دیگر، بی‌احتیاطی خانم «ش» و درگیری فیزیکی با آقای «ن» زمینه قتل وی را ایجاد نموده است. بدین ترتیب، آسیب‌پذیری بیشتر زنان به دلیل ویژگی‌ها و استعداد بالقوه آنان در بزه‌دیدگی و نقش مؤثر آنان در ایجاد فرصت‌های بزه‌دیده‌زا، امکان بزه‌دیدگی آن‌ها را زیاد می‌کند. در پرونده مذکور نیز علت اصلی بزه‌دیدگی خانم «ش» را همین موارد ایجاد نموده است. شناخت بزه‌دیده و نقشی که در ارتکاب جرم دارد به تنهایی نمی‌تواند بزه‌دیده‌شناسی نخستین را پیش ببرد، بدون اینکه به این نکته توجه شود که بزه‌دیده به چه نوع حمایت‌هایی نیاز دارد و این حمایت‌ها تا چه حد می‌توانند از بزه‌دیدگی مجدد او پیشگیری نمایند. این شناخت، یعنی نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و نیازها و حقوقی که دارد و ضرورت‌هایی که برای حمایت از او وجود دارد، زمینه‌ای را فراهم

می‌کند که در واقع علاوه بر اینکه خسارات وارد بر او جبران و یا ترمیم شود، دیگر فرد بزه‌دیده نشود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱۶). از این رو، امروزه قانونگذاران به دلیل مطالعات جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، به زنان بزه‌دیده توجه ویژه‌ای می‌نمایند و با بالا بردن هزینه ارتکاب جرم بر روی زنان برای بزهکاران بالقوه، از طریق تأمین امنیت زنان، نحوه پوشش و حجاب آنان و آموزش بزه‌دیدگان احتمالی در صدد کاهش احتمال بزه‌دیدگی آنان هستند.

تشدید کیفر بزهکاران به دلیل زن بودن بزه‌دیدگان می‌تواند تا حدود زیادی احتمالی بزه‌دیدگی آنان را در قتل و ضرب و جرح کاهش دهد که این مورد هم به صورت منسجم در سیاست کیفری ایران پیش‌بینی نشده است (زینالی، ۱۳۸۳: ۲۱۲). در قوانین کیفری نه تنها موضوع مذکور پیش‌بینی نشده است، بلکه متأسفانه طبق قانون مجازات اسلامی در قتل و جنایات مادون نفس، از اصل تساوی افراد در برابر قانون عدول شده است و حتی در مواردی به ویژه تعرضات جسمانی علیه زنان، عکس آن عمل شده است که با توجه به مطالعات جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی این رویکرد موجب بزه‌زایی و بالا رفتن احتمال بزه‌دیدگی آنان شده است. از این رو، بهتر است قانونگذار ما در راستای حمایت از زنان که آماج مناسبی برای ارتکاب جرم هستند و به منظور پیشگیری از «بزه‌دیده‌زایی» تبعیض‌های مذکور را حذف نماید.

## ۲- بزه‌دیدگی در فرزندکشی

مجاورت بزه‌دیده و بزهکار احتمال بزه‌دیده واقع شدن افراد را افزایش می‌دهد به همین دلیل است که کودکان معمولاً توسط نزدیکان خود مورد سوء رفتار قرار می‌گیرند (معظمی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). بزه‌دیده‌شناسان نخستین، ارتباط بزه‌دیده و بزهکار را به منظور درک صحیح از شرایط و اوضاع و احوالی که سبب تکوین عمل مجرمانه می‌شود، مورد مطالعه قرار دادند. از این رو، مطالعات مذکور منجر به دگرگونی در عقاید مربوط به بزه‌دیده و نقش او در عمل مجرمانه گردید (Pesta, 2011: 14). در همین راستا، یکی از بزه‌دیده‌شناسان، ارتباط بزه‌دیده و بزهکار را در جرم قتل بررسی کرد. وی این ارتباط را در چهار دسته خانواده، دوستان، آشنایان و افراد غریبه قرار داد. تحقیقات مذکور در هفده شهر از ایالات متحده آمریکا صورت گرفت و مشخص شد، درصد بالایی از بزه‌دیدگان (۷۰/۱)، به نوعی با بزهکار دارای ارتباط بوده‌اند (Curtis, 1974: 594-605).

کودکان بیشتر اوقات هیچ نقشی در بزه‌دیدگی خویش ندارند و ناخواسته قربانی جرم شده‌اند. آنان نوعی استعداد خاص و آمادگی لازم را برای بزه‌دیده واقع شدن دارند. برخی نیز اصطلاح «بزه‌دیده آرمانی» را در مورد شخصی به کار می‌برند که در پی ضربه خوردن از جرم، جایگاه اجتماعی بزه‌دیده بودن را به سادگی می‌پذیرد (Christine, 1968: 18). در جرم‌شناسی، کودک آزاری<sup>۱</sup> عبارت است از ایراد آسیب بدنی، روانی و عاطفی عمدی یا از روی غفلت به یک کودک، از جمله بد رفتاری یا سوءاستفاده جنسی، به خصوص فعل یا ترک فعل پدر و مادر یا مراقب و پرستار که به بهره‌کشی یا سوءاستفاده آسیب شدید جسمانی، روانی و عاطفی، بد رفتاری یا سوءاستفاده جنسی یا مرگ کودک بیانجامد (Garner, 2004: 10).

اگر چه فرزندکشی اطلاق داشته و نمی‌توان تنها کودکان را مضمول این عنوان دانست، لیکن با توجه به اینکه سن بزه‌دیده، او را در زمره افراد آسیب‌پذیر قرار می‌دهد، لذا مصداق بارز فرزندکشی، کشتن کودکان است.

از نظر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که ایران نیز در سال ۱۳۷۲ به آن ملحق شده است: «کودکان هر فرد انسانی زیر هجده سال است ...» که نیازمند حمایت‌های قانونی است و دولت‌ها باید ترتیبی اتخاذ کنند تا به موجب آن هر گونه خشونت علیه کودکان را محدود و با آن مبارزه نمایند.

در قوانین کیفری ایران، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی به جرم فرزندکشی اشاره کرده است: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی‌علیه نباشد و ...». از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی، هنتیگ<sup>۲</sup> مفهوم «رابطه خاص بزه‌کار - بزه‌دیده» را مطرح نمود. این مفهوم شامل روابط متقابل بین مجرم و بزه‌دیده می‌شود (مانند رابطه فرزند و پدر در فرزندکشی). بدین سان، بزه‌دیده، یک رکن حیاتی در موقعیت یا وضعیت مستعد ارتکاب جرم، به ویژه در موقعیت‌های خاص محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰: ۲۸۷-۲۸۸).

در این راستا، این رابطه را با توجه به جرم قتل می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- بزه‌دیده و بزه‌کار هر دو اعضای یک خانواده می‌باشند؛ مانند رابطه پدر و فرزند.

۲- بزه‌دیده و بزه‌کار قبل از ارتکاب قتل با یکدیگر آشنا بوده و دارای رابطه دوستی یا

شغلی بوده‌اند.

1. Child abuse

2. Hentig

۳- بزه‌دیده و بزهکار با همدیگر غریبه بوده و به صورت اتفاقی با یکدیگر روبرو شده‌اند (Karmen, 1996: 102).

از آنجا که کودکان از افراد بالقوه آسیب‌پذیر هستند و با توجه به حساس‌تر بودن فرد بزهکار که مستلزم سبک و سنگین کردن منافع و ... حاصل از ارتکاب بزه است، هزینه ارتکاب جرم اهمیت زیادی برای وی دارد، لذا می‌توان کودکان را آماج‌های مناسبی برای بزهکاران بالقوه دانست.

در مطالعاتی که توسط برخی از بزه‌دیده‌شناسان انجام گرفته است، کیفیت انتخاب بزه‌دیدگان توسط بزهکاران در دو گروه مشخص به عنوان «بزه‌دیدگان قابل تعویض»<sup>۱</sup> و «بزه‌دیدگان غیرقابل تعویض»<sup>۲</sup>، قرار گرفته است. اصطلاح بزه‌دیدگان غیرقابل تعویض حالتی اشاره دارد که بزه‌دیده، قبلاً توسط بزهکار مشخص و معین شده است و تدابیر لازم برای ارتکاب اندیشیده شده باشد. بسیاری از جرائم علیه اشخاص مانند «فرزندکشی» از نظر آنان جزء این دسته محسوب می‌شوند (Fattah, 1991: 222). مثالی که در مورد فرزندکشی در این رابطه می‌توان بیان کرد، فرزندان و به خصوص دخترانی هستند که توسط والدین خویش و به منظور حفظ آبرو و از بین بردن ننگ ناشی از رابطه نامشروع فرزندان با دیگری، به قتل می‌رسند.

هر چند در ادبیات جرم‌شناسی، منظور از بزه‌دیده‌شناسی حمایت‌محور، کلیه راهکارهای خسارت‌زدایی از بزه‌دیدگان عنوان شده است، ولی در رویکرد نخست بزه‌دیده‌شناسی نیز حمایت از بزه‌دیدگان مورد توجه قرار می‌گیرد. از این رو، قانونگذار باید برای پیشگیری از پدیده فرزندکشی، اقدامات لازم را معمول داشته و مبادرت به تصویب قوانینی در این زمینه نماید که بازدارندگی بیشتری داشته باشد. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ردیف قوانین جرم‌زا قرار دارند و وجود آن عاملی است که دست پدران را در قتل فرزندان خویش باز می‌گذارد و آنان نیز بدون ترس از مجازات متناسب با جرم ارتكابی ممکن است، مرتکب این جرم شوند. قانونگذار ما برخلاف بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک که تضمین داده است، حداکثر امکانات را برای بقاء کودکان تضمین نماید، نه تنها در «قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱» تمهیدی در نظر نگرفته است، بلکه با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ همان سیاست سابق را ادامه داده است.

- 
1. Exchangable victims
  2. Non exchangeable victim

بنابراین، با توجه به گستردگی پدیده فرزندکشی در جامعه<sup>۱</sup>، با تصویب قوانین پیشگیرانه، (مانند قوانینی که صلاحیت والدین را در نگهداری فرزند در صورت اقدامات خشونت‌آمیز سلب کرده تا از بزه‌دیدگی بیشتر آنان پیشگیری به عمل آید) و تشدید کیفر فرزندکشی، می‌توان از این دسته از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر حمایت کرد. هر چند تشدید مجازات مرتکبان نمی‌تواند به تنهایی کافی باشد، اما با تناسب جرم و مجازات و تأثیر بازدارنده قوانین در کنار اقدامات لازم جهت معضلات اجتماعی از قبیل اعتیاد و بیکاری، می‌توان نه به از بین رفتن چنین جرائمی، بلکه حداقل، به کم شدن آن امیدوار شد.

### ۳- وضعیت روانی بزه‌دیده

بعضی افراد که از بیماری‌های روانی رنج می‌برند، به دلیل خصوصیات روانی، دارای ویژگی آسیب‌پذیری هستند و به عبارت دقیق‌تر، ضعف‌ها و ناتوانی‌های آن‌ها در بروز بزه‌دیدگی‌شان دخیل می‌باشند. به عبارت دیگر، افرادی که از نظر روانی آسیب‌پذیرترند، امکان بزه‌دیدگی‌شان بیشتر است. شخصی که انگیزه بزهکاری مانند ضرب و جرح و قتل دارد، اگر طرف مقابل خود را ضعیف‌تر ببیند، در ارتکاب جرم علیه وی تردیدی به خود راه نخواهد داد (میرخلیلی، ۱۳۸۵: ۷۲-۷۳). این دسته از بزه‌دیدگان را می‌توان در گروه بزه‌دیدگان ناتوان قرار داد؛ بزه‌دیده ناتوان کسی است که به دلیل از دست دادن توانایی انجام امور، یا دچار بودن به یک نارسایی یا بیماری بدنی - روانی، آسیب‌پذیر؛ و در نتیجه بزه‌دیده می‌شود. این وضعیت می‌تواند در قالب عقب‌افتادگی ذهنی باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). اوضاع و احوال پیش‌جنایی که بزهکار را به سمت انتخاب فرد ناتوان به عنوان آماج جرم سوق می‌دهد، حاکی از آن است که ناتوانی بزه‌دیده، یعنی آسیب‌پذیری وی، موجب شده که این فرد بزه‌دیدگی را تجربه کند (سماواتی پیروز، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

اشخاصی که دارای اختلال روانی هستند، دارای ویژگی‌هایی هستند که بیش از دیگران در معرض بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. در این راستا، عده‌ای به عنوان «بزه‌دیده مادرزاد» مطرح شده‌اند. شخصیت و ساختار روانی بزه‌دیدگان مادرزاد به گونه‌ای است که خود محرک اصلی جرم بوده و گویی به صدماتی که مجرم به آنان وارد می‌کند، نیاز دارند. برخی از بیماران روانی به

۱. بر اساس آمار رسمی پلیس آگاهی، دوازده درصد از قتل‌های ارتکابی در سال ۱۳۸۷ را فرزندکشی تشکیل داده است (روزنامه خراسان، یکشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۸، شماره ۱۷۲۳۵).

دلیل اینکه برای مثال دیگران را دشمن خود فرض می‌کنند، حالت تهاجمی دارند و ممکن است بزه‌دیده شوند.<sup>۱</sup>

قانونگذار ما به بزه‌دیدگی این گروه از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر در جرائم مستوجب قصاص توجه نموده است. در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط ثبوت قصاص را عقل مجنی‌علیه دانسته است. در فقه نیز یکی از شرایط اجرای قصاص، تساوی در عقل می‌باشد. بنابراین، نظر مشهور فقهای امامیه آن است که عاقل به دلیل کشتن مجنون قصاص نمی‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۶۶: ۵۲۳). همچنین ماده ۳۰۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مقرر داشته است: «مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون علاوه بر پرداخت دیه، به تعزیر مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات) نیز محکوم می‌شود».

البته باید یادآور شد که رفع قصاص از قاتل مجنون مخصوص به دائمی بودن جنون بزه‌دیده نمی‌باشد، بلکه چنانچه شخصی مجنون ادواری را در وضعیت دیوانگی به قتل برساند، محکوم به قصاص نمی‌گردد. در این خصوص از یک طرف، وضعیت روانی بزه‌دیده می‌تواند عامل مؤثری در ارتکاب جرم باشد و باعث تنش و تحریک بزه‌کار شود. از طرف دیگر، استعداد قبلی وی برای بزه‌دیده شدن، فرآیند گذر از اندیشه به عمل مجرمانه را تسریع می‌بخشد و زمینه بزه‌دیدگی بیماران روانی را فراهم می‌کند.

قانون مجازات اسلامی نیز آگاهانه یا ناآگاهانه، با الهام از مبانی فقه امامیه، خصوصیت روانی بزه‌دیده را مدّ نظر قرار داده و با عدم حمایت از بزه‌دیده‌ای که دارای بیماری روانی است، آن را سبب تخفیف مجازات بزه‌کار دانسته است و مجازات وی را از قصاص به پرداخت دیه و حبس تعزیری کاهش داده است. با این حال، توجه بیشتر به بزه‌دیدگان روانی و نقش مؤثر آنان در ارتکاب بعضی جرائم، در کنار بزه‌کاران، امری ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۴- نقش بزه‌دیده در قتل از روی ترحم

اصطلاح اتانازیا (Euthanasia) یا قتل از روی ترحم برای اولین بار توسط فرانسیس بیکن، فیلسوف انگلیسی، در سال ۱۶۲۰ در کتاب *ارغنون نو* وضع گردید و معنای آن در لغت میراندن تعمدی و مصنوعی بیماران لاعلاج با امراض دردناک است (حجتی، ۱۳۷۹: ۱۸۱). قتل از روی

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص سایر بیماری‌های روانی بنگرید به: کی‌نیا، مهدی، روانشناسی جنایی، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات رشد، چاپ دوم، بهار ۱۳۹۰.

ترحم را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مرگی است که پزشک با اذن و رضایت بیمار یا خانواده وی و یا به دلیل حس ترحم به وی، برای رهایی از رنج ناشی از بیماری که به طور حتم زندگی او را پایان خواهد داد، امکان‌پذیر می‌نماید».

یکی از انواع قتل ترحم‌آمیز با توجه به نقش بزه‌دیده در وقوع جرم و تعریفی که از قتل از روی ترحم ارائه شد؛ قتل از روی ترحم به واسطه رضایت بزه‌دیده است.<sup>۱</sup> در این شکل از قتل ترحم‌آمیز دو حالت قابل تصور است. در حالت اول، پزشک با تقاضای بیمار و اذن و رضایت کامل و صریح، اقدام به سلب حیات وی می‌نماید. اما در حالت دیگر، پزشک با رضایت بیمار، درمان را به صورت فعل یا ترک فعل، قطع می‌نماید. سؤال مهمی که در مورد قتل از روی ترحم مطرح می‌باشد، این است که اگر شخصی با رضایت خویش به وقوع جنایت علیه خود تن دهد، آیا قانونگذار باید از مرتکب این جنایت، حمایت کند؟ یک ضرب‌المثل لاتینی می‌گوید: «اراده و رضایت سبب می‌شود که جرمی صورت نگیرد». اما به نظر می‌رسد، با توجه به آمره بودن قوانین جزایی، اراده و رضایت مجنی‌علیه نمی‌تواند مانع از عدم مسئولیت پزشک شود و نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم در این مورد، به دلیل ارتباط داشتن قوانین کیفری با نظم عمومی نادیده انگاشته می‌شود.

#### ۴-۱- جایگاه بزه‌دیده قتل از روی ترحم در طبقه‌بندی بزه‌دیده‌شناختی

مندلسون در راستای تحقیقاتش، روابط بین بزه‌دیده و بزهکار را بررسی می‌نمود. او پنج نوع رابطه که منشاء (زیستی، روانی، اجتماعی) آن‌ها در شخصیت بزه‌دیده بود را مشاهده نمود.<sup>۲</sup> یک نوع از این بزه‌دیدگان را، بزه‌دیده با مسئولیت مجرمانه همسان با مجرم تشکیل می‌دهد. نمونه بارز این دسته از بزه‌دیدگان را می‌توان در قتل از روی ترحم جستجو نمود.

به لحاظ بزه‌دیده‌شناسی نخستین، افرادی که بر اثر بیماری‌های علاج‌ناپذیر تقاضا می‌کنند تا دیگران آن‌ها را از بین ببرند، بزه‌دیدگانی محسوب می‌شوند که تقصیر آنان با

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص انواع دیگر قتل ترحم‌آمیز بنگرید به: اسلامی‌تبار، شهریار و الهی‌منش، محمدرضا،

مسائل اخلاقی و حقوقی در قتل ترحم‌آمیز، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، اسفند ۱۳۸۶.

۲. طبقه‌بندی بزه‌دیدگان از دیدگاه مندلسون: ۱- بزه‌دیده کاملاً بی‌گناه؛ ۲- بزه‌دیده با کمینه تقصیر؛ ۳- بزه‌دیده با

مسئولیت همسان با مجرم؛ ۴- بزه‌دیده‌ای که بیش از بزهکار یا به تنهایی مقصر است؛ ۵- بزه‌دیده با مسئولیت

مجرمانه تام (لپز و فیلیزولا، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۳).

تأثیر یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی نخستین در جرائم مستوجب قصاص... ۱۳

بزه‌کار همسان است. در قتل از روی ترحم، رابطه بزه‌دیده و بزه‌کار تحت تأثیر عواطف و احساسات انسانی قرار دارد. از این رو، با رضایت کامل بیمار و تقاضاهای مکرر او، پزشک به خاطر دلسوزی و در واکنش به خواسته او مبنی بر پایان دادن به زندگی، به حیات وی پایان می‌بخشد.

#### ۴-۲- بزه‌دیدگی در قتل از روی ترحم

همان‌طور که بررسی شد، بزه‌دیده می‌تواند با رضایت خویش علت اصلی قتل خود باشد، حال باید دید که آیا این رضایت، در کیفر مرتکب تأثیرگذار است یا خیر؟ سیاست کیفری ایران قانون مستقلاً را در ارتباط با قتل ترحم‌آمیز پیش‌بینی نکرده است. در این رابطه، ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ قابل ملاحظه است: «در قتل عمدی و سایر جنایات، مجنی‌علیه می‌تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت، از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیاء دم و وارثان نمی‌توانند پس از فوت او، حسب مورد، مطالبه قصاص نفس یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) محکوم می‌شود».

به موجب قانون مذکور، قانونگذار میان حالتی که بیمار اذن و رضایت خویش را مبنی بر قتل، قبل از انجام عمل کشنده پزشک اعلام می‌دارد و موردی که بیمار بعد از انجام عمل کشنده رضایت خود را بر قتل ابراز می‌دارد، تفکیک قائل شده است. در حالتی که بیمار بعد از انجام عمل کشنده، رضایتش را مبنی بر قتل خود اعلام می‌دارد، عمل پزشک منطبق با ماده ۳۶۵ خواهد گردید. بدین ترتیب، به‌رغم اینکه پزشک به واسطه رضایت بیمار قصاص نمی‌گردد، ولی عمل وی از مصادیق قتل عمد می‌باشد.

سیاست قانونگذار در این ماده به نحوی است که نقش بزه‌دیده در وقوع جرم مؤثر می‌باشد و رضایت او سبب عدم قصاص بزه‌کار می‌گردد. لیکن آنچه در این راستا باید بدان پرداخته شود، این است که آیا مجازات پزشکی که قبل از رضایت بیمار به واسطه حس ترحم و دلسوزی به زندگی وی پایان می‌دهد با شخصی که با سوءنیت، شخصی را به قتل می‌رساند، باید یکسان باشد؟

مسئلاً انصاف به این سؤال، جواب منفی خواهد داد، اما با توجه به ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و عدم تأثیر انگیزه پزشک برای تخفیف مجازات قصاص در قتل عمد، راه برای

قصاص پزشک باز خواهد شد، در حالی که وجدان قاضی نیز ممکن است این موضوع را نپذیرد که پزشک مرتکب را محکوم به قصاص نماید، اما متأسفانه قانونی در راستای منطبق کردن عمل وی با آن وجود ندارد.

##### ۵- نقش دین بزه‌دیده در بزه‌دیدگی

بعضی افراد به دلیل دین، مذهب، مناسک، نوع پوشش و اعتقادات و باورهای خویش، بزه‌دیده می‌شوند. شخص کافر که در این جرم بزه‌دیده واقع می‌شود، به عنوان یکی از عوامل مؤثر در آستانه ارتکاب جرم قابل توجه می‌باشد. از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی نخستین، کافر بودن بزه‌دیده را می‌توان به عنوان یکی از خصوصیات اجتماعی او در وقوع جرم مؤثر دانست. لذا از آنجا که اعتقادات مذهبی اشخاص می‌تواند یکی از عوامل بزه‌دیدگی آن‌ها باشد، مسئله جرائم مبتنی بر نفرت نیز مطرح می‌شود.

در متون روان‌شناسی جرم‌های مبتنی بر نفرت، اعمال خشونت‌آمیز علیه فرد، مال یا سازمان به دلیل تعلق به گروه خاص است<sup>۱</sup>. جرم مبتنی بر نفرت از دیدگاه جرم‌شناسی عبارت است از: «هر گونه رفتار مجرمانه علیه بزه‌دیده همراه با انگیزه تعصب و دشمنی و بر اساس بعضی از ویژگی‌هایی که می‌تواند شامل نژاد، مذهب، جنسیت، قومیت، وضعیت جنسی و ناتوانی باشد» (Murkakami, 2004: 64). در جرائم مبتنی بر نفرت، خصوصیات بزه‌دیده تعصب و نفرت، از جمله مذهب، در مرتکب جرم پدیدار می‌گردد و همین امر باعث ارتکاب جرم علیه بزه‌دیده می‌شود (عباچی، ۱۳۸۸: ۵۶۷).

عزت فتاح، در یک تقسیم‌بندی، بزه‌دیدگان را در سه طبقه قرار داده است که یک دسته از آنان را می‌توان بزه‌دیدگان محرک ناآگاه دانست<sup>۲</sup> (لپز و فیلیزولا، ۱۳۸۸: ۶۳). گاهی اوقات بزه‌دیده بدون اینکه آگاه باشد، زمینه بزه‌دیدگی خویش را فراهم می‌کند. در این راستا، بزه‌دیده برای ارتکاب جرم رضایتی ندارد و بدون اطلاع از آثار مجرمانه و با ناآگاهی و برای مثال به واسطه اعتقادات مذهبی خود، سبب تشویق و تحریک بزه‌کار به ارتکاب جرم می‌شوند.

در حقوق کیفری اسلام و به تبع آن در قوانین موضوعه ایران، با استدلال فقهای شیعه از

1. <http://www.apa.org>

2. دو دسته دیگر عبارتند از: ۱- بزه‌دیده متضرع؛ و ۲- بزه‌دیده آگاه که نتیجه و آثار عمل مجرمانه را می‌داند.

قرآن، مسلمان به واسطه قتل غیرمسلمان قصاص نمی‌شود. بدین ترتیب، مطابق با قاعده نفی سبیل<sup>۱</sup> هر گاه مسلمانی کافری را (هر چند ذمی یا معاهد) عمداً بکشد قصاص نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده ۳۰۱ تساوی مجنی‌علیه با مرتکب را در دین، یکی از شرایط قصاص دانسته است. از طرف دیگر، ماده ۳۱۰ بیان می‌دارد: «... اگر مسلمان، ذمی، مستأمن یا معاهد، بر غیرمسلمانی که ذمی، مستأمن یا معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص نمی‌شود. در این صورت مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) محکوم می‌شود».

بدین ترتیب، قانونگذار با توجه به منابع فقهی، دین را به عنوان یکی از خصوصیات بزه‌دیده مد نظر قرار داده و مسلمانی را که مرتکب قتل غیرمسلمان می‌شود را مستوجب قصاص نمی‌داند و عمل مرتکب را علاوه بر دیه، طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در صورتی که موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد، موجب سه تا ده سال حبس تعزیری می‌داند؛ و لذا از این دسته از بزه‌دیدگان حمایت کیفری کمتری نموده است.

#### ۶- پیشگیری از بزه‌دیدگی در جرم قتل عمد

گاهی بزه‌دیدگان قتل عمد با تسهیل ارتکاب جرم و یا رفتار و گفتار تحریک‌آمیز خود، شیوه و سبک زندگی و یا فعالیت‌های روزانه خطرناک زمینه قتل خویش را فراهم می‌کنند. از این رو، بزه‌دیدگان بالقوه می‌توانند با کاهش فرصت‌های قتل، از بزه‌دیده واقع شدن خود پیشگیری نمایند، که این امر می‌تواند با عدم تسهیل و تحریک و توجه به شیوه زندگی و عادات روزانه زندگی میسر گردد. این موضوع در چند پرونده مورد تحلیل قرار گرفته است.

#### ۶-۱- عدم تسهیل وقوع قتل توسط بزه‌دیدگان بالقوه

گاهی بزه‌دیده از روی ناآگاهی و در اثر سهل‌انگاری، توجه افراد مستعد را برای ارتکاب جرم جلب می‌نماید. تسهیل وقوع قتل توسط بزه‌دیدگان، به طور غیرمستقیم موجب وقوع قتل می‌شود. تسهیل وقوع جرم در قتل‌هایی که انسان آماج وسیله قتل واقع می‌شود شایع است.

۱. «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً».

بدیهی است انجام اقدامات لازم از جانب بزه‌دیدگان به منظور مراقبت از اموالشان و عدم جلب توجه مجرمین می‌تواند از پیشگیری از قتل مؤثر باشد.

جنازه زن جوانی که منزلش روبروی ساختمان نیمه‌کاره‌ای که در حال ساخت بود قرار داشت و پس از تجاوز به قتل رسیده بود، توسط پلیس کشف شد. تحقیقات گسترده منجر به دستگیری یک نفر شد. او ضمن اعتراف به ارتکاب تجاوز و قتل در خصوص انگیزه قتل اظهار داشت که وی مدتی قبل در همان ساختمان نیمه‌کاره مشغول به کار بوده و در اثر تردد مکرر آن زن در حیاط منزل به صورت نیمه‌عریان تحریک شده است و در یک فرصت مناسب به قصد تجاوز وارد منزل گردیده و در نهایت، به خاطر شکستن مقاومت وی، او را در حین تجاوز به قتل رسانده است. در مثال فوق، تردد نیمه‌عریان زن در حیاط منزلش در حالی که از دیده شدن خودش توسط مردان غریبه مطلع بوده سبب تحریک جنسی بزهکار و تسهیل در وقوع جرم تجاوز به عنف منجر به قتل گردیده است (پرویزی، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

## ۲-۶- عدم تحریک

برخی از رفتارها و گفتارها مانند اقرار به رابطه نامشروع با همسر قاتل و یا اقرار زوجه به داشتن رابطه نامشروع با غیر، تحریک‌های شدیدی هستند که می‌توانند باعث وقوع قتل گردند. در جرم قتل، رفتار محرک به اشکال مختلفی، مانند فحاشی و دشنام دادن گویی، تأکید بر بی‌غیرتی مخاطب، آبروریزی و لحن تمسخرآمیز، بی‌اهمیت جلوه دادن خسارت وارده به طرف مقابل، متلک‌پرانی و ... مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup>

تحریک مستلزم رفتاری از بزه‌دیده است که واکنش تلافی‌جویانه بزهکار را به دنبال دارد (شاهیده و جوان‌جعفری، ۱۳۹۲: ۱۳۵). آنچه در خصوص جرائم مستوجب قصاص، مانند قتل عمد باید گفت آن است که به‌رغم تحریک بزهکار توسط بزه‌دیده، ثابت بودن مجازات این دسته

۱. در نمونه‌های موجود در استان خراسان رضوی در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶، ۳۷ درصد از مقتولین قبل از وقوع قتل، با رفتار و گفتار خود موجب تحریک شدید عصبی و هیجان طرف مقابل شده‌اند، که در ۶۱ درصد از این موارد، شکل تحریک به صورت فحاشی و به کار بردن الفاظ رکیک بوده است. در طبقات بعدی، متلک‌پرانی با ۱۳ درصد، اقرار به رابطه با زوجه قاتل ۸ درصد و اقرار زوجه به داشتن رابطه نامشروع با غیر، جنجال و آبروریزی، ایجاد مزاحمت و ضرب و جرح هر کدام با ۴ درصد قرار دارند. لازم به ذکر است در بیش از ۵۶ درصد قتل‌هایی که مقتول دارای تحریک‌کننده بوده، قتل ناشی از نزاع خیابانی بوده است (کسرایی درآید، ۱۳۸۸: ۹۰-۹۵).

از جرائم، مانع از توجه به نقش بزه‌دیده در فرآیند ارتکاب جرم و تعیین کیفر می‌باشد. نمونه‌ای از این موضوع را می‌توان در رأی دادگاه کیفری استان نیز مشاهده نمود.

در پرونده شماره ۵۴... ۸۲ تحریک شدن قاتل نقش مهمی در ارتکاب قتل داشته است. بدین ترتیب که در سال ۱۳۸۲ جسد شخصی به نام آقای «س» در منزلش کشف شد و پس از آن خانم «ص» که در محل ارتکاب قتل حاضر بود، دستگیر شد. خانم «ص» که در چند نوبت به منزل مقتول رفت و آمد داشته بود، بیان داشت که در حدود بیست روز قبل با مقتول آشنا شدم و وصف خانم «و» را از وی شنیده بودم تا اینکه در شب حادثه وی را هنگام خروج از منزل مقتول مشاهده کردم که وارد ساختمان شد. با تحقیقات صورت گرفته مشخص گردید که در آن شب، خانم «و»، آقای «س» را به قتل رسانده است. از این رو، ولی‌دم مقتول با شکایت از خانم «و»، تقاضای قصاص نفس نمود. پس از تحقیقات به عمل آمده معلوم شد که متهم و مقتول برخلاف اظهاراتشان به آشنایان و همسایه‌ها، ازدواج نکرده بودند و دارای عقدنامه تقلبی بوده‌اند. خواهر متهم با بیان اینکه مقتول چند بار با وی تماس گرفته و خواستار رابطه با وی نیز بوده است، اظهار داشت که خواهرش بعد از شنیدن این قضیه بسیار ناراحت و عصبی شده بود. متهم نیز در اظهاراتش بیان کرد چون از ارتباط وی با خواهرم مطلع شدم به خانه او رفتم تا با او صحبت کنم، اما وی با صراحت گفت با خواهرت رابطه دارم و از شدت عصبانیت به روی من چاقو کشید و من هم چاقو را از وی گرفتم و به قلبش زدم و فرار کردم و از اینکه او را کشتم خوشحال شدم؛ چون دیگر نمی‌توانست دختران دیگری را مانند من بدبخت کند. او سال گذشته به عنف به من تجاوز کرد، اما چون او را شوهر خودم می‌دانستم اعتراضی نکردم. پس از استدلال وکلای متهم مبنی بر دفاع مشروع متهم و جنون وی، قضات کیفری استان خراسان رضوی نیز در رأی صادره ادعای دفاع مشروع را به جهت آنکه شرایط دفاع مشروع به دلیل روشنی هوا و رفت و آمد زیاد مردم و اینکه خانم «و» می‌توانست در آن شرایط با فریاد زدن نیز خطر را دفع کند، رد کردند. در مورد ادعای جنون وی در هنگام جرم نیز به‌رغم آزمایش‌های پزشکی قانونی، این موضوع ثابت نشد و وی را با استناد به مواد ۲۰۵، بند الف ماده ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۷ و ... قانون مجازات اسلامی و حسب تقاضای ولی‌دم مقتول، به قصاص نفس محکوم نمود.

در پرونده مذکور، از آنجا که خانم «و» از ارتباط نامشروع آقای «س» با خواهر پانزده ساله‌اش اطلاع پیدا می‌کند و پس از مشاهده خانم «ص» در منزل آقای «س»، به شدت عصبی می‌شود و مقتول با صحبت‌های تحریک‌آمیز مبنی بر داشتن ارتباط نامشروع با

خواهر وی و استفاده از الفاظ رکیک، با چاقو به طرف خانم «و» حمله می‌کند. از این رو، خانم «و» نیز تحت تأثیر آن و همچنین مشاهده حضور خانم «ص» در منزل آقای «س» و با توجه به تحریک غیرمشروع بزه‌دیده وی را به قتل می‌رساند. با وجود این، قضات کیفری استان به موضوع تحریک توجهی نکردند و حکم قصاص وی را صادر نمودند. ثابت بودن مجازات قصاص یکی از علت‌های اصلی عدم توجه قضات به موضوع تحریک در این دسته از مجازات‌هاست. زیرا در نظر گرفتن تحریک مستلزم تبدیل یا تخفیف مجازات بزهکار است، در حالی که قضات به دلیل عدم اختیار در تغییر میزان جرائم مستوجب قصاص از چنین اختیاری برخوردار نیستند.

با این وجود، گاهی قضات با توجه به عدم امکان تغییر در میزان مجازات قصاص، علاوه بر اینکه نقش بزه‌دیده را در ارتکاب قتل مؤثر دانسته‌اند، در مرحله کیفردهی نیز با غیرعمد محسوب نمودن این دسته از جرائم به تحریک بزهکار توسط بزه‌دیده توجه نموده‌اند.

در پرونده شماره ۸۶... ۱۲ آقای «ع» در حالی که سوار بر موتورسیکلت بوده با آقای «الف» که اختلاف قبلی داشته‌اند، مواجه گردید که آقای «الف» در این موقع شروع به خندیدن و تمسخر وی می‌کند. آقای «ع» از خندیدن وی ناراحت شده و شروع به مشاجره با وی می‌کند، آقای «الف» به سمت وی می‌آید و با وجود تذکر آقای «ع» به این عمل ادامه می‌دهد تا در نهایت آقای «ع» با شلیک سه گلوله او را به قتل می‌رساند. دادگاه کیفری اهواز نیز قاتل را به قصاص نفس محکوم کرد، اما با تجدیدنظرخواهی، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد. دیوان عالی کشور نیز چنین حکم داد: «اظهارات شهود مبین این معنی است که با وصف تذکر از ناحیه متهم به مقتول به اینکه جلو نیا، مع ذلک به سمت متهم که مسلح بوده حرکت کرده و به ایست وی توجه نکرده و به این صورت خود را در معرض [خطر مرگ] قرار داده، علی هذا صحت انتساب قتل عمدی بعید به نظر می‌رسد. ممکن است موضوع از مصادیق شبه عمد باشد ...». این رأی از نادر آرائی است که به این کیفیت نقش علی عمل مقتول را در کاهش رتبه قتل انتسابی به قاتل مؤثر شناخته است (طاهری‌نسب، ۱۳۸۸: ۶۶۶-۶۶۷).

بدین ترتیب، بزه‌دیده با رفتار و گفتار خود موجبات برانگیختگی طرف مقابل را فراهم نموده و باعث واکنش خشونت‌آمیز از جانب او می‌گردد و در اثر آن واکنش، جانش را از دست می‌دهد. از این رو، عدم تحریک بزهکار در چنین مواردی می‌تواند منجر به پیشگیری از ارتکاب جرم قتل گردد.

### ۳-۶- تغییر در شیوه و سبک زندگی و فعالیت روزانه

بزه‌دیده می‌تواند با تغییر در شیوه و سبک زندگی و عادات و فعالیت‌های روزانه خود از بزه‌دیده شدن خود در جرم قتل پیشگیری نماید و امکان ارتکاب آن را تا حدودی کاهش دهد.

#### ۳-۶-۱- تغییر در شیوه و سبک زندگی

افراد ممکن است به دلیل نوع زندگی خود، بزه‌دیده جرائم علیه تمامیت جسمانی، که شدیدترین نوع آن قتل است، شوند. خطر بزه‌دیده واقع شدن در جرم قتل با همنشینی و مجاورت با بزهکاران، حضور در زمان و مکان‌های نامناسب و فاقد امنیت و نظارت، حمل اسلحه، خرید و فروش مواد مخدر و ... افزایش می‌یابد.

بر این اساس، اگر مقتول بالقوه با یک قاتل با انگیزه و مصمم روبرو شود، احتمال بزه‌دیدگی او بیشتر خواهد شد. بنابراین، خطر به قتل رسیدن افرادی که با بزهکاران در تماس بوده و یا به محل‌های رفت و آمد می‌کنند که بزهکاران به طور منظم در آنجا هستند بیشتر می‌شود (پرویزی، همان: ۱۸۶). بدین ترتیب، تغییر در نوع زندگی می‌تواند با کم کردن رفتارهای پُرخطر، ارتکاب جنایت علیه اشخاص را کاهش دهد.

#### ۳-۶-۲- تغییر در فعالیت روزانه

طبق این رویکرد، فرصت‌های ناشی از اوضاع و احوال مادی و فرصت‌های ناشی از سبک زندگی خود بزه‌دیدگان و رفتار آنان هر دو در به فعل در آمدن اندیشه مجرمانه اهمیت دارند. بدین ترتیب، از یک سو، جرائم علیه اشخاص زمانی ارتکاب می‌یابد که یک مباشر با انگیزه، با یک سیل جذاب که محافظت نشده است مواجه گردد. از سوی دیگر، این نوع جرم زمانی که چنین رو در روی‌هایی در عرصه اجتماعی بیشتر می‌شود افزایش می‌یابد (گسن، همان: ۶۱۳).

عدم تردد در مکان‌های بزه‌دیده‌زا، عدم مرادده با بزهکاران، داشتن تفریح‌های سالم، بی‌توجهی به عوامل ایجاد خطر در رفت و آمدهای روزانه را می‌توان از جمله عواملی دانست که افراد با تغییر در این رفتارها و عاداتها امکان بزه‌دیدگی خود را در جرم قتل پایین آورند.

عادت مردم به استفاده از وسایل شخصی یا عمومی مانند اتوبوس، مینی‌بوس و تاکسی یا اتومبیل‌های شخصی مسافرکش و تغییر در آن در مواقع مقتضی می‌تواند به عنوان عامل مهمی

در پیشگیری از قتل مدّ نظر قرار گیرد. به عنوان مثال، در پرونده غلامرضا خوشرو (خفاش شب) ملاحظه می‌شود که تمامی بزه‌دیدگان از وسیله نقلیه شخصی استفاده می‌نمودند. حال اگر عوامل نیروی انتظامی پس از اطلاع از موضوع نسبت به آگاه‌سازی مردم و توصیه به عدم استفاده از اتومبیل‌های شخصی مسافرکش از نوع خاصی اقدام می‌نمودند، چه بسا که با تغییر عادت مذکور و روی آوردن مردم به استفاده از سایر وسائط نقلیه عمومی، تعداد مقتولین از آنچه که بود کمتر می‌شد (پرویزی، همان: ۱۹۲-۱۹۳).

### نتیجه‌گیری

کمتر از یک سده پس از تولد جرم‌شناسی، عده‌ای از جرم‌شناسان در مقام حل معمای بزهکاری و علت‌شناسی جرم، پژوهش‌های خود را بر بزه‌دیده متمرکز کردند تا سهم، نقش و شخصیت وی را در تکوین جرم برآورد نمایند که از گذر این رهیافت جدید نسبت به بزه، رشته جدیدی به نام «بزه‌دیده‌شناسی» متولد شد؛ در حالی که در قانون مجازات اسلامی قانونگذار در بعضی موارد با الهام از منابع فقهی در حوزه جرائم مستوجب قصاص، نقش بزه‌دیده را در ارتکاب جرم لحاظ کرده است. بدین‌سان، توجه به بزه‌دیده در فقه جزایی اسلامی از قرن‌ها پیش، نشان‌دهنده غنای آن در این حوزه است.

در جرائم مستوجب قصاص با بهره‌مندی از دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی نخستین، تقصیر بزه‌دیده، وضعیت روانی وی، بزه‌دیده‌مادرزادی، رضایت و تسهیل ارتکاب جرم توسط او و ... را می‌توان شناسایی کرد و در نهایت با استفاده از رویکرد بزه‌دیده‌شناسی نخستین، در صدد حمایت کمتر از بزه‌دیدگان مقصر و پیشگیری از بزه‌دیده واقع شدن آن‌ها برآمد.

علاوه بر حقوق کیفری، توجه به بزه‌دیده را می‌توان در پیشگیری از جرم (جرم‌شناسی) نیز به خوبی مشاهده نمود. از یک سو، در پیشگیری بزه‌دیده‌شناختی، اقداماتی - مانند عدم تسهیل وقوع قتل توسط بزه‌دیدگان بالقوه، تغییر در شیوه و سبک زندگی آنان و عدم تحریک بزهکاران بالقوه - پیش‌بینی می‌شود که بزه‌دیدگی را در جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (مستوجب قصاص) کمتر نماید. از سوی دیگر، گاهی نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم به قدری اساسی است که میزان تقصیر او از دیدگاه بزه‌دیده‌شناختی، برابر یا حتی بیشتر از تقصیر بزهکار است؛ مانند بزه‌دیدگان محرک. اما از آنجا که تقصیر، مفهوم مسئولیت را نیز به همراه دارد و مسئولیت در

حوزه حقوق کیفری به معنای مجازات است، بزه‌دیده را به دلیل نقشی که در ارتکاب جرم داشته است نمی‌توان مجازات کرد. بدین‌سان، نقش و سهم او در تخفیف مجازات بزهکار مؤثر است، اما در مسئولیت کیفری وی اصولاً بی‌تأثیر است.

این رویکرد می‌تواند به هم‌ترازی حقوق بزه‌دیدگان و بزهکاران که یکی از اهداف مهم نظام عدالت کیفری است کمک نماید. بدین صورت که اگر چه اعمال تخفیف برای بزهکار از اختیارات قاضی است، ولی بی‌طرفی وی ایجاب می‌کند تا در صورت وجود تقصیر بزه‌دیده در ارتکاب جرم، از اختیار خود جهت تخفیف مجازات بزهکار استفاده کند. اما مشکل اساسی در رابطه با در نظر گرفتن نقش بزه‌دیده در میزان مجازات بزهکار در جرائم مستوجب قصاص، ثابت بودن میزان آن و عدم اختیار قاضی در تخفیف یا تبدیل آن است. البته این بدان معنا نیست که بزه‌دیده‌شناسی نخستین هیچ کاربردی در قوانین کیفری ایران به ویژه در جرائم مستوجب قصاص ندارد. تحلیل قوانین مزبور نشان می‌دهد که می‌توان این رشته علمی را در قالب ارتکاب جرائم مزبور و به تبع آن، کیفر آن‌ها مطالعه نمود و الگوی مناسبی را نیز برای سیاست‌گذاران جنایی ایران ارائه داد.

با جستجو در قانون مجازات اسلامی و فقه جزایی اسلامی می‌توان تخفیف در میزان مجازات را در برخی جرائم مستوجب حد که دارای مجازات ثابتی نیز هستند، مشاهده نمود. برای نمونه، در جرم کذب غیرارتجالی (بند ث ماده ۲۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) که به دلیل تحریک و برانگیخته شدن بزهکار واقع می‌شود، مجازات بزهکار به دلیل نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم، از مجازات حدی به تعزیری تبدیل می‌شود. در جرم سرقت نیز اگر بزه‌دیده در نگهداری از مال در حرز متناسب قصور کرده باشد (مواد ۲۶۸، ۲۶۹ و ۲۷۶ همان قانون)، مجازات بزهکار در راستای تخفیف، به مجازات تعزیری تبدیل می‌شود. همچنین، طبق ماده ۵۳۶ قانون مذکور، هر گاه جنایت منحصراً مستند به عمد و یا تقصیر مجنی‌علیه باشد ضمان ثابت نیست. اشاره قانونگذار به عدم تعلق دیه به بزه‌دیده‌ای که علت اصلی جنایت بوده است، نشان‌دهنده آن است که در جرائم علیه تمامیت جسمانی که مستوجب دیه است نیز به نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم و تعیین کیفر بزهکار توجه شده است. بنابراین، می‌توان گفت که جرائم مزبور از این جهت، موضوعیت نداشته و نقش بزه‌دیده در جنایاتی که مستوجب قصاص است نیز قابل تسری است. مطالعه رویه قضایی ایران بیانگر آن است که خلاءهای قانونی (مانند ثابت بودن مجازات قصاص)، در عدم

کاربرد آموزه‌های دانش بزه‌دیده‌شناسی در رسیدگی به پرونده‌های کیفری اثر زیادی داشته است. بدین ترتیب، برای پُر رنگ‌تر شدن جلوه‌های دانش بزه‌دیده‌شناسی در قوانین کیفری ایران، اصلاح قوانین حاضر امری ضروری به نظر می‌رسد.

## منابع

### الف - فارسی

۱. اسلامی تبار، شهریار؛ الهی منش، محمدرضا؛ *مسائل اخلاقی و حقوقی در قتل ترحم‌آمیز*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۲. پرویزی، رضا؛ *پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل*، تهران، معاونت آموزش ناجا، اداره کل پژوهش و تألیفات، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۳. حجتی، سید مهدی؛ «*تحلیل حقوقی اتانازیا (مرگ شیرین)*»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۷۹، شماره ۳۰.
۴. رایجیان اصلی، مهرداد؛ *بزه‌دیده‌شناسی (تحولات بزه‌دیده‌شناسی و علوم جنایی)*، جلد اول، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۵. رشادتی، جعفر؛ *گزیده آراء کیفری «قتل عمد - غیر عمد»*، تهران، انتشارات پیام راشده، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۶. زینالی، حمزه؛ *اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه‌دیدگی آنان*، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال سوم، ۱۳۸۳، شماره ۱۳.
۷. سماواتی پیروز، امیر؛ *ناتوانان بزه‌دیده: از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری*، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۴، شماره ۵۳-۵۲.
۸. شاهیده، فرهاد؛ جوان جعفری، عبدالرضا؛ «*رفتار و گفتار تحریک‌آمیز بزه‌دیده در قوانین و مقررات کیفری و رویه قضایی ایران*»، آموزه‌های حقوق کیفری، ۱۳۹۲، شماره ۵.
۹. صادقی فسایی، سهیلا؛ میرحسینی، زهرا؛ «*قربانی‌شناسی: راهی به سوی افزایش احساس امنیت اجتماعی*»، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، ویژه‌نامه، ۱۳۹۰.
۱۰. طاهری نسب، یزدالله؛ *رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان*، تهران، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۱. عباچی، مریم؛ «*جرم‌های مبتنی بر نفرت*»، در: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (زیر نظر)، *تازه‌های علوم جنایی - مجموعه مقاله‌ها*، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸.

تأثیر یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی نخستین در جرائم مستوجب قصاص... ۲۳

۱۲. عبدالفتاح، عزت؛ «بزه‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی»، ترجمه اسماعیل رحیمی‌نژاد، فصلنامه مفید، ۱۳۷۸، شماره ۱۸.
۱۳. کرمی، محمدباقر؛ «سیاست جنایی ایران در قبال بزه‌دیده»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۷۵، شماره ۴.
۱۴. کسرائی درابد، خشایار؛ «بررسی علل وقوع قتل عمدی در استان خراسان رضوی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ و راه‌های پیشگیری از آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ۱۳۸۸.
۱۵. کی‌نیا، مهدی؛ *روانشناسی جنایی*، جلد اول و دوم، تهران، انتشارات رشد، چاپ دوم، ۱۳۹۰.
۱۶. گسن، ریموند؛ *روابط میان پیشگیری وضعی و کنترل بزهکاری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، شماره ۲۰-۱۹.
۱۷. لپز، ژ؛ فیلیزولا، ژ؛ *بزه‌دیده‌شناسی*، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران، انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۸. مرتضوی، نسرین؛ «بزه‌دیده‌شناسی زنان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی قم، ۱۳۷۶.
۱۹. معظمی، شهلا؛ *بزهکاری کودکان و نوجوانان*، تهران، نشر دادگستر، چاپ پنجم، ۱۳۹۰.
۲۰. میرخلیلی، سید محمود؛ «بزه‌دیده‌شناسی پیشگیرانه با نگاه به سیاست جنایی اسلام»، *فقه و حقوق*، سال سوم، ۱۳۸۵، شماره ۱۱.
۲۱. میرمحمد صادقی، حسین؛ *جرائم علیه اشخاص*، تهران، نشر میزان، چاپ هشتم، ۱۳۹۰.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و دیگران؛ «عدالت برای بزه‌دیدگان، (میزگرد)»، مجله حقوقی دادگستری، ۱۳۸۴، شماره ۵۳-۵۲.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید؛ *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۹۰.

## ب- عربی

۲۴. الجزیری، عبدالرحمن؛ *الفقه علی المذاهب الاربعه*، جلد ۵، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، ۱۳۹۲ق-۱۳۵۱ه.ش.
۲۵. حسینی شیرازی، سید محمد؛ *کتاب القصاص*، قم، دارالقرآن‌الحکیم، ۱۴۰۰ق-۱۳۵۹ه.ش.
۲۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد؛ *مجمع الفایده و البرهان*، جلد ۱۴، النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ق-۱۳۷۴ه.ش.
۲۷. موسوی خمینی، روح‌الله، *تحریر الوسیله*، جلد ۲، تهران، دارالعلم، چاپ دوم، ۱۴۰۷ق-۱۳۶۶ه.ش.

ج- لاتین

28. Christine, N; "**The Ideal Victim**", in E, A Fattah (ed), from crime policy to victim policy, basing stock: Mac millan, 1968.
29. Curtis, L; *Victim precipitation and violent crime*, Social Problems, 21(4), 1974.
30. Fattah, E.A; *Understanding criminal victimization*, Mac millan press, Canada, 1991.
31. Garner, A; *Black's law Dictionary*, 8<sup>th</sup> ed, Thomson and west, 2004.
32. Hate crimes Today: *An Age-old foe in modern Dress*; Available at: <http://www.apa.org>
33. Karmen, A; *Crime Victims*, Third Edition, Wadsworth Publication Inc, 1996.
34. Murkakami. K,Taron; "**Hate crimes**", The George town journal of Gender and Law, Vol. 63, 2004.
35. Pesta, R; *Provocation and the Point of No Return: AN Analysis of Victim-Precipitate Homicide*, Youngstown State University, July 2011.
36. Wolfgang, M; *Patterns in criminal homicide*, New York, NY: John Wiley and Sons, Inc, 1958.